روزنامه طلوع

تاریخ ۲۳ دی ۱۳۹۷ یک‌شنبه

صفحه ۵

شماره ۲۴۲۹

سال بیست و چهارم

سخن بزرگان

موفقیت در آرزوها، نسبت مستقیم با قدرت اراده ما دارد.

دیل کارنگی

گوناگون

زندگی در جغرافیای دام، چکمه و خونابه

زندگی در حاشیه برخی کلان‌شهرها دورتر از دود و ماشین و شلوغی، بدون هیچ نمادی ازآنچه شایسته انسان‌هاست، در سکوت ادامه دارد.

به گزارش ایرنا، انسان‌هایی در میان دام در بیخ گوش شیراز ناچار به ادامه حیات هستند و خشکسالی آنها را وادار به مهاجرت به‌جایی کرده است که متعلق به آنها نیست.

در حاشیه کلان‌شهر شیراز، به سمت جنوب شرق، کج‌راهه‌ای است با تابلویی که روی آن نوشته شده مجتمع دام. هرچند تابلو بزرگ است، نام این جاده و این راه چندان آشنا نیست.

در مسیر این کج‌راهه، هر چه پیش‌تر می‌رویم، نمای جاده نازیباتر می‌شود، کپه‌های ناهمگون زباله، لاشه‌ها و تکه استخوانی از جمجمه گاو و میش و گوسفند در حاشیه مسیر افتاده است.

کلاغ‌های سیاه بزرگ و گهگاه شاهین و لاشخور جایی حلقه زده‌اند، سگ‌ها هم امپراتوری خودشان را دارند. در پستی‌ها و گودال‌ها زاییده‌اند و دیدن توله‌سگ‌های بسیار و گله‌های سگی که با هم حرکت می‌کنند، منظره‌ای طبیعی است.

این جاده، شبیه دروازه‌ای به سرزمینی عجیب است، جایی بیخ گوش شهر که زمان و مکانش در تاریخ و جغرافیایی دیگر می‌گذرد.

کم‌کم به انتهای جاده می‌رسیم، صف ماشین‌هایی که دام بار زده‌اند، معطل اجازه ورود به مجتمع است. مجتمع میدانی دارد با نام میدان دام. دست‌فروش‌ها آنجا بساط کرده‌اند و لباس و خرت‌وپرت‌های پلاستیکی می‌فروشند. هیچ اثری از حتی تک مغازه‌ای در این مجتمع دیده نمی‌شود، هر آنچه هست‌نمای این ماشین‌هاست که ضروریات زندگی را هم ندارند.

قسمتی از مسیر آسفالته است، اما بقیه راه خاکی است. اینجا تا چشم کار می‌کند، سوله است، سوله‌هایی برای نگهداری دام. حدود ۴۰۰ سوله وجود دارد. در مسیر، دامپزشکی و داروخانه دام نیز هست. به روایتی حدود ۲۰۰ خانوار و به روایتی دیگر ۱۶۰ خانوار در این منطقه زندگی می‌کنند؛ البته برخی سوله‌ها هم نگهبانان مجرد دارند که هیچ‌یک شیرازی نیستند و همگی از اطراف به این ناحیه آمده‌اند. مدیریت این مجتمع هم با بخش خصوصی است و آنچه مربوط به امور دامی است با مکاتبه با جهاد کشاورزی رسیدگی می‌شود، دیگر امور نیز با اداره تعاون هماهنگ می‌شود.

انتهای جاده آسفالته به کوچه‌ای می‌رسیم، ناچار می‌شویم برای عبور دام صبر کنیم. دو گله کوچک با حدود ۳۰ گوسفند همراه چوپانانشان از کوچه رد می‌شوند.

مدرسه در دل سوله‌های دام

در انتهای کوچه دری سبزرنگ است که رنگ سبزش با دیگر درها فرق دارد، شادتر است. اینجا هم سوله‌ای است که در آن برخی وسایل نگهداری می‌شود؛ اما کمی که پیش‌تر می‌رویم، دو باغچه بزرگ می‌بینیم با وسایل بازی بچه‌ها و باز فضا و زمان در این جغرافیا تغییر می‌کند. اینجا تنها مدرسه مجتمع است.

هرچند هنوز بوی دام به مشام می‌رسد، صدای درس خواندن بچه‌ها و چهره بانشاط یکی دوتایشان که آمده‌اند، آب بخورند، آدمی را به دنیای شادمانه کودکی می‌برد. کودکانی که زندگی در شهرها را تنها به بهانه دیدن دکتر تجربه کرده‌اند یا در تلویزیون قدیمی گوشه خانه، آن را دیده‌اند.

دنیای آنها همین مجتمع دام است با راه‌های شوسه و گل‌آلودش و مسیری که خونابه و فاضلاب در آن روان شده و تنها دلخوشی و ذوقشان همین یک مدرسه ابتدایی است که تا سال گذشته در چادر بوده و حالا به ساختمانی اداری منتقل شده که باآنکه می‌توان جای پریز برق و مهتابی‌های در سقف را در آن دید، برق ندارد.

مدیر و ناظم مدرسه با رویی خوش پیش می‌آیند و ما را به داخل مدرسه راهنمایی می‌کنند. صدای بچه‌ها درحالی‌که درس‌شان را می‌خوانند از پشت دیوارهای سرد کلاس‌های آمیخته به بوی نفت به گوش می‌رسد.

مدرسه عشایری کوچک، ۹۰ دانش‌آموز دارد ۳۷ پسر و ۴۳ دختر. از بچه ۵،۵ ساله تا ۱۲ ساله. بچه‌ها هریک در مدرسه وظیفه‌ای دارند و در اداره آن سهیم هستند.

چکمه‌های پلاستیکی گلی، به‌جای رنگ‌های شاد کودکی

در چهره بچه‌ها متانت و شادی و درعین‌حال عزت‌نفس دیده می‌شود؛ هرچند آن‌ها از لباس‌های متحدالشکل و نو بی‌بهره‌اند و همه‌شان چکمه‌های پلاستیکی قدیمی به پا دارند و شلوارشان تا زانو گلی است. آسفالت به راه مدرسه نرسیده، بارش باران زمین را گلی می‌کند، عبور بی‌سامان فاضلاب و خون‌آبه‌های حیوانات هم گل را غلیظ‌تر می‌کند برای همین هم بااینکه بچه‌ها چکمه می‌پوشند، باز هم لباس‌هایشان تروتمیز نمی‌ماند.

وارد یکی از کلاس‌ها می‌شویم بچه‌ها مؤدب از جایشان بلند می‌شوند و با آوایی یک‌صدا به ما خوش‌آمد می‌گویند. بخاری نفتی گوشه کلاس، ناخودآگاه چشم را سمت خود می‌کشاند و خاطرات ناگوار سال‌های اخیر را در ذهن می‌آورد. یک سمت کلاس دخترها نشسته‌اند و یک‌سو پسرها. در چشم‌هایشان بیش از آنکه شیطنت باشد شور و عشق و کودکی موج می‌زند.

معلم در حال تمرین املاست، یکی از بچه‌ها پای تخته املای کلمات را می‌نویسد و بقیه هم رونویسی می‌کنند. معلم‌های این مدرسه همگی مرد هستند و تنها یک بانو که هم ناظم است و هم مربی پرورشی و هم نقش مشاور بچه‌ها را دارد، خدمت‌رسانی می‌کنند. آن‌ها مسیری طولانی را از شیراز طی می‌کنند تا به این مدرسه برسند.

بانویی که در این مدرسه کار می‌کند، حاضر نشد سال گذشته محل خدمتش را تغییر دهد؛ گرچه می‌گوید پارسال وضعیت خیلی بدی داشتند، بچه‌ها در چادر درس می‌خواندند و امکانات نبود. می‌گفت هر روز بوی دام می‌گرفتیم و اگر مریض می‌شدیم، دوره درمانی سختی داشتیم.

برق تا سر کوچه آمده، به مدرسه نرسیده

مسئولان مدرسه در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا از کمبودها می‌گویند، از برقی که تا سر کوچه آمده و به سوله مدرسه نرسیده، برای همین دستگاه کپی ندارند و همین، بسیاری از امور آموزشی را مختل کرده است. می‌گویند بچه‌ها کتابخوانی را دوست دارند؛ اما کتابخانه‌ای ندارند. دختران به سن تکلیف رسیده‌اند و عاشق نماز خواندن‌اند؛ اما نتوانسته‌اند برای‌شان جشن تکلیف بگیرند، چون در نمازخانه یک موکت درست‌وحسابی هم نیست. یکی از بچه‌های مقطع پیش‌دبستانی که نامش احسان است، آمد توی دفتر. انگار می‌خواست خودی نشان دهد و مهمانان مدرسه را برانداز کند. احسان به‌تازگی صاحب خواهری به نام آیسا شده است. او لالایی‌هایی را که مادرش برای آیسا می‌خواند، برای‌مان می‌خواند و بعد تعریف می‌کند که روزی در حال آمدن به مدرسه بوده که چهار سگ دنبالش کرده بودند و او وقتی خودش را به‌جایی امن می‌رساند، زده بوده زیر گریه.

یکی دیگر از دختران مدرسه نامش فریبا بود، فریبا دختری بسیار زیبا با چهره به ارث رسیده از عشایر فارس است. در صورتش میل به درس خواندن و غرور موج می‌زند. با ادب و احترام سلام کرد و خودش را معرفی کرد. لبخند از گوشه لبش پاک نمی‌شد، اما درون چشم‌هاش غمی آرامیده بود که بسیار وسیع بود.

در کلاس پیش‌دبستانی، معلم از یکی از شاگردها خواست بیاید پای تخته تا برای‌مان نقاشی بکشد. ساسان مهارت بسیاری در نقاشی داشت تا جایی که اگر به چشم نمی‌دیدیم، باور نمی‌کردیم چنین استعدادی در این سن وجود داشته باشد.

تخته‌سیاه و تابوک و نفت

تخته کلاس‌ها هنوز گچی است و روی تابوک قرارگرفته تا از سطح زمین فاصله داشته باشد. بچه‌ها همراه خودشان یک بطری داشتند، در این بطری نفت بود، نفتی که از خانه برای روشن نگاه داشتن چراغ اتاق می‌آوردند.

آبخوری مدرسه تمیز و پاکیزه نبود و سرویس بهداشتی هم به‌صورت کانکسی در گوشه حیاط قرار داشت. پشت مدرسه دامداری است و صدای دام و بوی گوسفند حتی به درون کلاس‌ها هم کشیده می‌شود.

مدرسه که تعطیل شد، بچه‌ها در صف‌هایی در مسیری که کمتر گل‌ولای داشت راه افتادند و هریک وارد یکی از سوله‌ها شدند که درواقع خانه‌شان بود، بقیه هم همین‌طور قطاری، پشت سر هم راه می‌پیمودند. یکی دو تا از پدران هم بچه‌ها را در میان دام‌ها، سگ‌ها، نیسان‌های آبی بزرگ، توده‌های آشغال، خلوتی کوچه‌ها و ناهمواری راه همراهی می‌کردند.

به دنبال فاطمه، کودک کلاس اولی تا خانه‌شان رفتیم. پدرش مرد جوانی بود که با چوب‌دستی مخصوص چوپانان فاطمه را همراهی می‌کرد.

خانه آن‌ها در امتداد خیابانی بود که به بن‌بست منتهی می‌شد و راه ماشین رو نداشت.

به‌تازگی زمین‌ها را برای گذاشتن لوله گاز کنده‌اند و این موضوع، بیشتر کوچه‌ها و مسیرها را به راه‌هایی با تپه‌های گلی بدل کرده است که عبور از آن‌ها دشوار است.

در مسیر، کنار بعضی سوله‌ها لاشه‌های گوسفند دیده می‌شد که نیم‌خورده بودند، سگ‌ها آن‌ها را دریده بودند و بعضی جاها نقش بزرگ خون روی زمین خودنمایی می‌کرد. هیچ ماشینی برای جمع‌آوری زباله به این منطقه نمی‌آید، گردی خط سیاه سوزاندن زباله‌ها دم در خانه‌ها روی دیوار رد گذاشته است. به‌جای دیدن حتی یک تک‌درخت تا چشم کار می‌کند، زباله است و فاضلاب.

نزدیک خانه فاطمه، چند سگ در سمت‌وسوهای مختلف کوچه ایستاده بودند، یکی از آن‌ها به ما نزدیک شد، چشم‌هایی تماماً سرخ و جثه‌ای بیمار داشت. نای حمله نداشت، اما چشم از ما غریبه‌ها هم برنمی‌داشت.

پدر فاطمه، آقا مهدی ما را به خانه‌اش دعوت کرد. سمت راست‌مان آغل بود و انبار کاه. سمت چپ‌مان دو اتاقک تابوکی که خانه فاطمه بود.

او گفت از اهالی شهرستان فساست، ۳۰ ساله است و فاطمه تنها دخترشان است. خودش قبلاً دامدار بوده است. او خود را از عشایر عرب خمسه معرفی کرد که به دلیل خشکسالی و وضعیت ناگوار اقتصاد عشایر و روستاییان، ناچار شده بود دامش را به قیمتی ناچیز بفروشد و به شیراز بیاید.

او گفت: ما که کاری بلد نبودیم، باید کارگری می‌کردیم. ناچار شدیم به اینجا بیاییم و دام اجاره کنیم و به گله مردم رسیدگی کنیم.

آقا مهدی ادامه داد: این سوله را با ۱۰ میلیون تومان ودیعه (رهن) و ماهانه یک‌میلیون تومان کرایه با ۱۰۰ گوسفند اجاره کرده است؛ درحالی‌که درآمدش در ماه کفاف رفع نیازهای معمول را نمی‌دهد.

او ادامه داد: گوسفندها را کیلویی ۳۵ تا ۳۷ هزار تومان از ما می‌خرند، یک گوسفند حدوداً یک‌میلیون قیمت دارد؛ اما چیزی به ما نمی‌رسد.

از او درباره سرنوشت فاطمه پرسیدم، اینکه بعد از اتمام دبستان او را به مدرسه می‌فرستد یا خیر. پدر گفت: مجبوریم او را به شبانه‌روزی بفرستیم، اما خرجش زیاد است؛ بالاخره تا آن موقع یک فکری می‌کنیم.

زندگی با دام، اما بدون گوشت

مادر فاطمه در آشپزخانه مشغول تهیه نهار بود و از ما دعوت کرد به خانه‌اش برویم. زنی بود ۲۹ ساله، از شهرستان خفر از توابع جهرم. می‌گفت جوانم اما چهره‌ام به ۵۰ ساله‌ها می‌زند. او ادامه داد: قبلاً که خودمان دام داشتیم، سالی یکی دو بار سر یکی از گوسفندان را برای خودمان می‌بریدیم؛ اما حالا یک سالی هست که گوشت قرمز نخورده‌ایم.

این زن از سختی راه و کمبود درآمد گله داشت. می‌گفت وقتی مریض می‌شویم، چون دکتری این حوالی نیست مجبوریم به شیراز بیاییم، موتور همسرم خراب شده، هر بار رفت‌وآمدمان حدود ۴۰ هزار تومان هزینه‌بردار است؛ اما چون با دام زندگی می‌کنیم بیماری‌هایمان سخت‌تر است و ناچاریم به دکتر برویم.

مادر فاطمه از بیماری‌های سالک، مالاریا و آنفلوانزای دامی یادکرد و تحمل پشه‌ها را در فصل تابستان غیرقابل‌توصیف خواند.

دیواربه‌دیوار خانه آن‌ها، کانال فاضلابی عظیم بود، با بویی مهوع که تابستان‌ها جولانگاه انواع حشره است. این کانال جایگاه زباله‌ها هم هست. هر سو بنگریم زباله می‌بینیم و فاضلاب.

کپسول‌های گاز گوشه حیاط و در آشپزخانه چیده شده بود، پُرها از خالی‌ها جدا. گاز نیست، تلفن هم نیست. موبایل آنتن نمی‌دهد و ارتباط ساکنان مجتمع دام با بیرون از این محوطه دشوار است.

اکثراً بخاری‌های برقی خیلی کوچکی دارند. در خانه‌ها فرش نیست و به‌جای آن زیراندازی را می‌توان دید که جای سوختگی به‌عنوان یادگاری از بخاری‌های نفتی‌شان در برخی گوشه‌هایش دیده می‌شود. در تک اتاق خانه اثری از حتی یک عروسک کوچک هم نیست، همبازی کودکی‌های فاطمه، مرغ و خروس‌ها و گوسفندها هستند، گاهی هم در خیالش نقش عروسکی به یاری می‌آید و در کنج خانه می‌نشاندش.

از خانه فاطمه بیرون می‌آییم. سر کوچه در یکی از خانه‌ها باز است. مردی در آستانه در ایستاده است. پدر یکی از دانش‌آموزها بود.

او نیز مردی جوان بود با چهره‌ای شکسته. می‌گفت اهالی این منطقه همگی ایرانی هستند و عمدتاً ترک‌زبان و از تیره‌ها و طایفه‌های مختلف عشایری‌اند که جبر زمانه آنها را به این ناکجاآباد کشانده است.

نوسانات اقتصادی، اتباع را رانده است

او اظهار می‌کرد که پیش‌ازاین اتباع غیرقانونی هم در این ناحیه زیاد رفت‌وآمد می‌کردند؛ اما با نوسانات اقتصادی اخیر دیگر برای‌شان نمی‌صرفد که در این منطقه کار کنند و به افغانستان باز گشته‌اند.

این مرد جوان از نبود امنیت گفت و اینکه دزدان با انداختن قلاب‌هایی از روی پشت‌بام گوسفندان را می‌دزدند و هیچ کانکس نیروی انتظامی هم در این حوالی نیست که حتی دعواهای میدانی را سروسامان دهد. ناچار روی پشت‌بام‌ها چادر می‌زنند و شب‌ها نوبتی کشیک می‌دهند تا دزد نیاید، بعضی هم در گوشه خانه‌ها سگ‌های وحشی دارند که هم دزدان و هم اهالی خانه را می‌درند. او از ردوبدل شدن مواد مخدر و نیز آسیب‌های اجتماعی که کودکانشان را تهدید می‌کند نیز بسیار گلایه‌مند بود و خدا را شکر می‌کرد که در مدرسه بچه‌ها را آموزش می‌دهند تا هر اتفاق نامعمولی را مشاهده کردند به خانه و مدرسه اطلاع دهند.

به گفته اهالی، چندین بار موارد کودک‌آزاری و سوءاستفاده از کودکان دیده شده که با دخالت به‌موقع خانواده‌ها و مدرسه رفع شده است.

مجتمع دام جایی است پای مسئولان، حتی در دوره انتخابات هم کمتر به آن باز شده است. گوشه‌ای است و پرت و غریب در بخش مرکزی شیراز که زندگی در آن با سختی و رنج و بی‌چیزی ادامه داد. در غیاب حداقل امکانات، دیدن انسان‌هایی که در این شرایط ناگوار از خانه و کاشانه اصلی‌شان رانده شده‌اند و در اینجا مانده، آدمی را از فکر بیرون نمی‌آورد.

در حال خروج از مجتمع هستیم، نیسان‌های آبی که همچنان دام بار زده‌اند، می‌روند و می‌آیند، در گوشه جاده دنبال رد جمجمه سر میشی می‌گردم که صبح نمایی ترسناک به حاشیه راه داده بود، اثری از آن نیست. سگ‌ها کمی آن‌طرف‌تر از جای افتادن جمجمه لم داده‌اند روی زباله‌ها.

به ابتدای راه می‌رسیم، در کمربندی، آدم‌ها سوار ماشین‌هایشان، رفت‌وآمد می‌کنند. می‌روند تا به شهر برسند، شاید به خانه‌هایشان با گرما و اتاق و عروسک، شاید به محل کارشان با گلدان‌های سبزرنگ؛ اما زندگی بی‌رنگ در کناره جاده می‌ماند و در تاریخ و جغرافیای خودش عمر و جوانی و کودکی را می‌بلعد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۵۰۰۵۶۲۵ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۲۷ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز - ناحیه ۳ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم صادقی قسامی فرزند هاشم به شماره شناسنامه ۴۴۳۹ صادره از تهران کد ملی ۰۰۵۶۴۴۲۸۹۰ نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۹۰/۹۰ مترمربع به پلاک ۱۶/۱۶۸۸ مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶/۷۵۵ واقع در شیراز جوادیه لاله کوچه پشت ساختمان اورژانس خیابان نصر درب از حیاط هفتمین پلاک کدپستی ۷۱۹۷۷۷۱۸۰۶ خریداری از مالک رسمی آقای علی گوارا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۰۵۱/م الف ۲۹۲۰۶/۱۸۰۰۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹

شاپور زارع شیبانی - رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۷۸۱۸ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۹ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهره رعیت پیشه فرزند قلی به شماره شناسنامه ۲۵۷ صادره از فسا به شماره ملی ۲۵۷۱۶۸۶۱۹۴ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۰۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۵/۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی عیسی ثابت کنوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۶/م الف ۲۹۱۰۷/۱۷۹۴۷

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۴۰۸۰ مورخه ۱۳۹۷/۰۸/۲۰ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عسکر مرادی دالینی فرزند حسنعلی به شماره شناسنامه ۴ صادره از هماشهر به شماره ملی ۲۵۴۹۸۶۷۶۰۲ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۳۶/۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۸۶/۳۴ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی غلامحسین محمدی راد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۵/م الف ۲۹۱۱۴/۱۷۹۵۲

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۷۷۹۸ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۹ و رای اصلاحی به شماره ۷۷۹۹ به مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۹ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیده المیرا سرپوریان فرزند سیدناصر به شماره شناسنامه ۲۲۸۳۰۷۶۲۶۹ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۸۳۰۷۶۲۶۹ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۳۸/۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۶۹/۵۹ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی شرکت دناگستر فارس و پیمانکاری محمعلی زارع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۴/م الف ۲۹۱۶۲/۱۷۹۸۶

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۷۷۵۰ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۸ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قهرمان کوه کن فرزند نامدار به شماره شناسنامه ۱۸ صادره از بیضا به شماره ملی ۵۴۶۹۸۰۱۸۶۱ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۷/۵۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۸۶/۶ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی محمد ژاله محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۲/م الف ۲۹۱۲۹/۱۷۹۶۲

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۷۰۹۳ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نسرین نیایش فرزند مراد به شماره شناسنامه ۷۴۲ صادره از جهرم به شماره ملی ۲۴۷۰۳۴۸۹۴۳ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۱/۷۳ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی عوض شریفی شریف اباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۳/م الف

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ ۲۹۱۲۴/۱۷۹۵۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۳۳۵۷ مورخه ۱۳۹۷/۰۷/۱۰ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامحسین نوروزی فرزند پرویز به شماره شناسنامه ۱۴۸۷ صادره از برازجان به شماره ملی ۳۵۲۰۹۰۵۷۶۰ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی علی اکبر حق خواه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۰/م الف ۲۹۱۶۱/۱۷۹۸۷

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۷۷۶۳ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۹ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیده المیرا سرپوریان فرزند سیدناصر به شماره شناسنامه ۲۲۸۳۰۷۶۲۶۹ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۸۳۰۷۶۲۶۹ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۳۸/۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۶۹/۵۹ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی شرکت دناگستر فارس و پیمانکاری محمعلی زارع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۸۷۴/م الف ۲۹۱۶۲/۱۷۹۸۶

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

جهانبخش اسفندیاری نیا - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز